| تاریخ دریافت:۱۵/۰۶/۱۴۰۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۷ |

مفهوم و اصول تاریخ‌پژوهی اسلامی

جواد سلیمانی امیری*
دانشیار گروه تاریخ مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.
soleimani@qabas.net

چکیده
آیین برگزیدهٔ انسان تأثیر شگرفی در تکوین اعتقادات، ارزش‌ها و سنت‌های مورد اتباع او دارد. نظام اعتقادی و ارزشی و سنت‌های مقبول انسان‌ها نیز نقش شایسته‌ای در تحقیقات علمی آنان در حوزهٔ علوم انسانی دارند؛ بنابراین دین اسلام در تحقیقات علوم انسانی از جمله تاریخ‌پژوهی نقش مؤثری ایفا می‌کند؛ از این‌رو این پرسش مطرح می‌شود که مفهوم تاریخ‌پژوهی اسلامی چیست و اصول حاکم بر آن کدام‌اند؟ در این مقاله به روش تحلیلی- اجتهادی، به پرسش‌های مذکور پاسخ داده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، هر پژوهش تاریخی که در پنج حوزهٔ مسائل، مبانی، اهداف، منابع و روش وجه مشترکی با اسلام داشته و متأثر از آن باشد، اسلامی خواهد بود. همچنین واقع‌نمایی، امکان تطبیق، مرجعیت کلام شیعه، حاکمیت سنت‌های الهی، تهافت‌نداشتن با قرآن، تعارض‌نداشتن با احادیث معصوم، حاکمیت عقل ناب و امکان تحقق در تاریخ از اصول حاکم بر تاریخ‌پژوهی اسلامی معرفی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌پژوهی، فلسفهٔ علم تاریخ، روش تحقیق درتاریخ، اسلامی‌سازی تاریخ، مفهوم تاریخ‌پژوهی، اصول تاریخ‌پژوهی.

https://orcid.org/0000-0002-8405-9047

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

مقدمه

اسلامی‌ســـازی علوم انســـانی یکی از مباحث مهم در مجامع حوزوی و دانشگاهی است که تأثیر مهمی بر پژوهش در حوزهٔ علوم انســـانی ایفا می‌کند، اما طرح بحث اسلامی‌ســـازی علوم انسانی با موانعی روبه‌روســـت که در برابر تحقق تاریخ‌پژوهی اسلامی چالش ایجاد می‌کنند. این امور گاه بـــه بینش‌ها و گرایش‌های درونی افراد بازمی‌گردد و گاه بیرون از وجود افراد ریشـــه دارد و محصول عقاید و واکنش‌های اجتماعی است. شناخت ناکافی، انحراف فکری مورخ و ترس از منزوی‌شدن از مهم‌ترین موانع درونی اســـت. همچنین نداشتن الگویی معین برای تاریخ‌پژوهی اسلامی، موانع ســـازمانی، فشارهای مخالفان و نبود تشـــویق از مهم‌ترین موانع بیرونی این بحث به‌شمار می‌آید. کشـــف تمایز علوم انسانی اسلامی و غیراسلامی در گرو این است که ابتدا مفهوم اسلامی‌سازی در هریک از رشته‌های علوم انســـانی تبیین شود و به‌دنبال آن اصول و روش این مفهوم مشخص شود؛ بنابراین برای بازشناســـی تاریخ‌پژوهی اســـلامی و تمایز آن با تاریخ‌پژوهی غیراسلامی، ابتدا باید مقصود از اسلامی‌سازی دانش تاریخ و سپس اصول و روش آن تبیین شود؛ از این‌رو در این نوشتار مفهوم و اصول تاریخ‌پژوهی اسلامی بررسی شده است.

با توجه به تحقیقات، غیر از مباحثی که در نقد مقالهٔ الویری (۱۳۹۶) دربارهٔ مفهوم اسلامی‌سازی رشـــتهٔ تاریخ مطرح شده است، تحقیق درخوری در این باره ارائه نشده است. مقالهٔ الویری نیز تنها به بررســـی مفهوم اسلامی‌سازی تاریخ و مبتنی بر تغییر کارکرد تاریخ در جامعهٔ اسلامی پرداخته و به اصول و روش تاریخ‌پژوهی اسلامی توجهی نداشته است؛ از این‌رو شایسته است الگوی جامعی از تاریخ‌پژوهی اســـلامی، متشکل از مفهوم، اصول و روش تاریخ‌پژوهی اسلامی ارائه شود تا بستر تحقق عملی آن شکل بگیرد.

مفهوم تاریخ‌پژوهی

برای دستیابی به تعریف «تاریخ‌پژوهی» ابتدا باید مقصود از دو واژه «تاریخ» و «پژوهی» به تفکیک مشخص شـــود. مقصود از واژهٔ «تاریخ» در عبارت «تاریخ‌پژوهی» دانش تاریخ است که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است که برخی از آن‌ها لوازم و برخی دیگر عوارض دانش تاریخ را معرفی کرده‌اند (به‌منظور آشنایی با تعاریف ارائه‌شده برای علم تاریخ رک: سلیمانی امیری، ۱۳۹۷، صص ۶۰-۵۸) و به تعریف ماهیت تاریخ نپرداخته‌اند. به‌نظر می‌رسد اگر بخواهیم علم تاریخ را براساس ذاتیـــات آن تعریـــف کنیم، باید بگوییم: «علـــم تاریخ مجموع گزاره‌ها و آثاری اســـت که از افراد، امت‌ها، ملت‌ها، مکان‌ها و حوادث گذشـــته خبر می‌دهد، لکن به‌شـــرط اینکه نقش درخوری در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

زندگی انســان‌ها داشته باشد»؛ (سلیمانی امیری، ۱۳۹۷، ص ۵۹) یعنی دانشی که دربارهٔ انسان‌ها و روابــط متقابل آن‌ها با خود، دیگران، طبیعت و محیط زندگی به‌شــرط تأثیر قابل‌توجه در جامعه بحث می‌کند.[۱]

واژهٔ «پژوهش» ریشــه‌ای عربی دارد و برگردان فارســی واژهٔ عربی «تحقیق» اســت. در زبان انگلیسی نیز معادل واژهٔ «Research» اســت. این واژه در زبان عربی به‌معنای «جست‌وجو برای یافتــن حقیقت و واقعیت» اســت (رک: جبران، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹)، امــا دراصطلاح تعریف‌های گوناگونی از آن شده است. برخی استادان روش تحقیق، دربارهٔ تحقیق براساس اهداف آن نوشته‌اند:

«پژوهش فعالیتی است نظام‌مند، با هدف تولید و توسعهٔ دانش جدید و یافتن پرسشی بی‌پاسخ دربارهٔ موضوعی خاص» (رک: احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲، مقدمهٔ کتاب).

برخی دیگر آن را فعالیتی خاص دانسته و سعی کرده‌اند ظرف این فعالیت را معین کنند، چنان‌که نوشته‌اند:

پژوهش «به مجموعه فعالیت‌های عقلایی که در جهت جواب به سؤالات یا حل مسائلی گفته می‌شود که در ذهن انسان به‌وجود می‌آید» (ایمان، ۱۳۹۴، ص ۷).

برخی دیگر ســعی کرده‌اند تحقیق را نوعی فعالیت متمایز بــا مطالعهٔ عام بدانند و به برخی از ویژگی‌های آن بدون هدفش توجه کرده و معتقدند پژوهش، گردآوردن مواد معتبر و مقدمات و سیر در آن‌ها براســاس روش درست استنتاج نتایج از مقدمات اســت (رک: اسلام‌پور کریمی، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

برخی دیگر تحقیق را نوعی فعالیت خاص ذهنی، دارای اهداف و محصول خاص تعریف کرده و نوشته‌اند:

«تحقیق علمی عبارت اســت از تلاش کاوشــگرانه‌ای که با آداب خاصــی به‌طور نظام‌یافته با هدف کشف مجهولی به‌منظور گسترش قلمرو معرفتی نوع بشر انجام شده و شناخت حاصل از آن، مصادیق و مابه‌ازای خارجی داشته باشد» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

بــا توجه به تعاریف فوق می‌تــوان گفت، پژوهش نوع خاصی از فعالیت ذهنی اســت که اولاً برخــلاف مطالعات پراکنده و بی‌هدف با هدف حل مســئله صورت می‌گیــرد. ثانیاً برخلاف تتبع صرف، فعالیت نظام‌مند و منطقی و اســتدلالی اســت. ثالثاً برخلاف فعالیت‌های ترویجی، صرفاً

۱. البته شــاید برخی از این قاعــده تبعیت نکنند و حوادث جزئی و کم‌فایده را نیز ثبــت کنند، اما اصل اولی و روال عادی برای مورخان در علم تاریخ ثبت وقایع و گزارش‌هایی است که در زندگی انسان‌ها مؤثر هستند یا در آینده تأثیر می‌گذارند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

جنبهٔ گردآوری و اطلاع‌رسانی دستاوردهای علمی پیشینیان نیست، بلکه عامل تولید علم و توسعهٔ دانش است. حال با روشن‌شدن مفهوم تاریخ و پژوهش می‌توان گفت تاریخ‌پژوهی عبارت است از فعالیت ذهنی نظام‌مند، منطقی و استدلالی با هدف حل مسئله‌ای از مسائل دانش تاریخ که عامل تولید علم و توسعهٔ دانش تاریخ می‌شود. با توجه به این تعریف می‌توان گفت مطالعهٔ تاریخ غیر از تاریخ‌پژوهی است؛ زیرا مطالعات تاریخی به‌معنای مطالعاتی است که با روش‌ها و شیوه‌های مقبول و مرسوم علوم نقلی و عقلی به آگاهی نسبت به وقایع گذشته منتهی می‌شود. مطالعات تاریخی شامل تاریخ‌نگاری در حوزهٔ تاریخ نقلی، تحلیلی، فلسفهٔ نظری تاریخ و... است (رک: کافی، **۱۳۹۹**، ص ۱۷)، اما تاریخ‌پژوهی مطالعهٔ اکتشافی و مقدماتی تاریخ است که با هدف بررسی مسئله‌ای خاصی از دانش تاریخ صورت می‌گیرد؛ بنابراین تاریخ‌پژوه پس از گردآوری اطلاعات، آن‌ها را به‌صورت منظم و منطقی دسته‌بندی می‌کند. همچنین پس از رفع تعارض‌ها و تزاحم‌های این اطلاعات، در برخی مواقع آن‌ها را منطقی و عقلی پردازش کرده و پاسخ مسئلهٔ خود را به‌صورت استدلالی استخراج می‌کند.

تاریخ‌نگاری به‌معنای نگارش و تدوین تاریخ، عنوان عامی است که بر فعالیت‌های نگارشی در زمینهٔ تاریخ اطلاق می‌شود؛ بنابراین نمی‌توان این عنوان را بر فعالیت‌های غیرحرفه‌ای دربارهٔ تاریخ که با ویژگی‌های تاریخ‌پژوهی همراه نیست، اطلاق کرد. Historicism به‌معنای تاریخی‌نگری، نگرش خاص روش‌شناختی است که بیان می‌کند، هر واقعه را باید با بررسی آن در بستر فرایند تاریخی گسترده‌تری درک کرد که واقعهٔ مذکور مرحله‌ای از آن به‌شمار می‌رود یا نقشی در آن ایفا می‌کند. تنها با فهم ماهیت این فرایند می‌توان به فهم یا ارزشیابی کامل و دقیقی از وقایع مجرد و عینی دست یافت (رک: نوذری، ۱۳۷۹، صص ۴۸۸-۴۸۷). تاریخی‌گری به‌عنوان نگرشی در روش پژوهش یک تاریخ‌پژوه تأثیرگذار است، اما تاریخ‌پژوهی نفس پژوهش در مقوله‌ای خاص به نام تاریخ است. تاریخ‌نگری نیز نیازمند محصول کار تاریخ‌پژوه است.

مفهوم تاریخ‌پژوهی اسلامی

شاید برخی گمان کنند مقصود از تاریخ‌پژوهی اسلامی، پژوهش‌های تاریخی است که مورخان اسلامی انجام می‌دهند (برای اطلاع بیشتر در این باره رک: سجادی و عالم‌زاده، **۱۳۸۰**، ص ۱۲)، اما مقصود ما از تاریخ‌پژوهی اسلامی تاریخ‌پژوهی مسلمانان نیست. همچنین مقصود از این مقوله در پژوهش حاضر این نیست که متعلق و موضوع تحقیق تاریخ یک شخصیت اسلامی یا حادثهٔ مربوط به مسلمانان است یا حاصل پژوهش تاریخی برای امت اسلامی سودمند باشد. مقصود از

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

تاریخ‌پژوهی اسلامی به‌طور اجمالی پژوهش در حوزهٔ تاریخ است که دین مبین اسلام در تولید آن مؤثر بوده و به عبارت دیگر علمی است که فرایند تولید آن بر باورهای اسلامی منطبق است.

برای تبیین روشن‌تر مفهوم تاریخ‌پژوهی اسلامی باید به این مقوله پرداخت که دین اسلام در چه زمینه‌هایی توانایی تاریخ‌پژوهی دارد. از این رهگذر تمایز تاریخ‌پژوهی منطبق و غیرمنطبق بر دین اسلام مشخص می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد، دین اسلام در پنج حوزهٔ مسائل، مبانی، اهداف، منابع و روش می‌تواند در تاریخ‌پژوهی مؤثر باشد؛ از این‌رو به حکم عقل، هر پژوهش تاریخی که در حوزه‌های مذکور متأثر از دین اسلام باشد، اسلامی خواهد بود. علم تاریخ چنانچه در مسائل، مبانی، اهداف، منابع و روش با اسلام موافق باشد، اسلامی است و درصورت مخالفت با اسلام در هریک از مقولات مذکور، اسلامی محسوب نمی‌شود. علوم تاریخی موجود باید به‌گونه‌ای بازسازی شوند که با مبانی، اهداف، منابع و روش اسلام سازگار باشند؛ بنابراین می‌توان اسلامی‌سازی علم تاریخ را نوعی تولید علم تاریخ اسلامی دانست؛ به بیان دیگر سخن‌گفتن دربارهٔ تولید علم تاریخ اسلامی، فرایندی است که در آن براساس مبانی، اهداف و منابع اسلامی به پرسش‌های مطرح‌شده در حوزهٔ علم تاریخ پاسخ داده می‌شود.

اصول حاکم در تاریخ‌پژوهی اسلامی

مفهوم اصول

برای دستیابی به اصول حاکم بر تاریخ‌پژوهی اسلامی ابتدا باید فهمید مقصود از اصول پژوهش در تاریخ بر مبنای دین اسلام که در مذهب تشیع تجلی یافته است، چیست؟ مقصود از اصول، گزاره‌های تجویزی است که راهکارهای دستیابی به اهداف تاریخ‌پژوهی اسلامی براساس مبانی آن را نشان می‌دهد؛ مانند این گزاره که «تطبیق تاریخ بر زمانهٔ ما جایز است» یا «گزاره‌ها و تحلیل‌های تاریخی با عقل ناب باید مطابقت داشته باشند». ازآنجاکه تبیین مفهوم اصول سیره‌پژوهی در گرو تعریف مبانی و اهداف تاریخ (سیره) پژوهی اسلامی است، ابتدا باید دو مفهوم «مبانی» و «اهداف» به‌صورت اجمالی تعریف شوند.

مفهوم مبانی

«مبانی» گزاره‌هایی خبری هستند که در تعیین اهداف، اصول، موانع و روش‌های تاریخ‌پژوهی اسلامی کاربرد دارند؛ به بیان دیگر اموری محسوب می‌شوند که تعیین اهداف، اصول و روش‌ها مبتنی بر آن‌هاست. این گزاره‌ها گاه بدیهی و گاه نظری هستند و از دانش‌های دیگر وام گرفته

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

می‌شـــوند؛ مانند این گزاره که «امور غیرمادی و عالم غیب وجود داشـــته و در تحولات عالم ماده تأثیرگذارند» یا «هر معلولی علتی می‌خواهد و پدیده‌های تاریخی نیز از این قاعده مستثنا نیستند». مبانی به چهار دستهٔ معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی و انسان‌شناختی تقسیم می‌شوند.

برخی از مبانی جزء مبانی تأثیرگذار بعید در تاریخ‌پژوهی به‌شمار می‌آیند، اما برخی دیگر تأثیرگذاری قریبی دارند. برخی از مهم‌ترین مبانی تأثیرگذار قریب عبارت‌اند از امکان شناخت امور غیرمادی، تنوع راه‌ها و ابزارهای کشف واقع و واقع‌نمایی ادلهٔ نقلی که جزء مبانی معرفت‌شناختی تاریخ‌پژوهی اسلامی هســـتند. همچنین اصل علیت، ضرورت علی و معلولی، گســـترهٔ وجود از ماده تا مجرد و... از مبانی هستی‌شناسی محسوب می‌شوند. اموری چون اعتقاد به خداوند به‌عنوان کامل مطلق، توحید افعالی، معجزه‌بودن قرآن و اعتقاد به عصمت پیامبران و امامان شـــیعه از جمله مبانی الهیاتی و دین‌شـــناختی هستند. همچنین آموزه‌هایی مانند ترکیب انسان از روح و بدن، سرشت مشترک انسان‌ها و مختاربودن انسان جزء مبانی انسان‌شناختی تاریخ‌پژوهی اسلامی به‌شمار می‌آیند. اثبات مبانی فوق مجال واسعی می‌طلبد و ما را از موضوع مورد نظر این تحقیق دور می‌کند، اما علاقه‌مندان می‌توانند ادلهٔ عقلی و نقلی مبانی فوق را در کتاب‌های فلسفی، کلامی و تفسیری دانشمندان شیعه بیابند.

مفهوم اهداف

منظور از هدف تاریخ‌پژوهی، نتیجه‌ای است که محققان و برنامه‌ریزان- و نه لزوماً خود متعلمان- تحقق آن را مطالبه می‌کنند؛ مانند دستیابی به شغل مناسب، کسب اعتبار اجتماعی، کسب درآمد، الگوگیری، هویت‌بخشـــی، عبرت‌آموزی، تولید حکم شـــرعی و قرب الهی، اما مقصود از اهداف تاریخ‌پژوهی اســـلامی، معین‌کردن نتایجی است که فرایند تاریخ‌پژوهی در دین اسلام، تحقق آن را انتظار دارد. با توجه به آیات قرآن مجید هدف خلقت انسان، دستیابی به کمال حقیقی در پرتو قرب الهی اســـت. ازآنجاکه یکی از اســـباب قرب الهی، عبرت‌آموزی از تاریخ امت‌های گذشته و تفکر تعالی‌بخش انســـان دربارهٔ سرگذشت اهل حق و اهل باطل اســـت، عبرت‌آموزی از تاریخ، هدف میانی و قرب الهی هدف نهایی مطالعهٔ تاریخ اســـت. با توجه به مبانی و اهداف فوق باید به بررسی این مقوله پرداخت که چگونه براســـاس این مبانی می‌توان به آن اهداف دست یافت. قواعد کلی که بیانگر چنین راهکارهایی هستند، اصول تاریخ‌پژوهی اسلامی محسوب می‌شوند. این قواعد که در قالب گزاره‌های تجویزی بیان می‌شـــوند و راهنمای عملی برای نیل به هدف نهایی به‌شمار می‌آیند، در تعیین روش‌ها نیز کارسازند. در ادامه، مهم‌ترین اصول تاریخ‌پژوهی اسلامی که سیره‌پژوهی نیز ذیل آن‌ها قرار می‌گیرد، بیان شده است:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

۱. اصل واقع‌نمایی و عینیت تاریخ

یکی از مبانی عقلی دانشـمندان اسلامی امکان شـناخت واقعیت‌های خارجی به‌کمک ادلهٔ نقلی اسـت؛ بر این مبنا، یکی از اصول مهم و اساسی در تاریخ‌پژوهی عینیت و واقع‌نمایی تاریخ است. شـاید به گمان برخی، تاریخ امری ذهنی اسـت نه عینی؛ یعنی آنچه با عنوان تاریخ نوشته یا گفته می‌شـود، سـاخته و پرداختهٔ ذهن مورخ است و معلوم نیسـت در عالم خارج و در حقیقت چنین اتفاق‌هایی رخ دهد؛ زیرا تاریخ تجربه‌پذیر نیسـت و بیش از یک‌بار اتفاق نمی‌افتد؛ اموری که تنها یک‌بـار اتفاق می‌افتند، مانند اموری که فقط برخی افراد آن را تجربه می‌کنند، از حوزهٔ علم تجربی خارج است.

براساس توصیه‌های اسـلام به مطالعه و عبرت‌آموزی از تاریخ نمی‌توان گفت از دیدگاه اسلام دسـتیابی به واقعیت در تاریخ به‌هیچ‌وجه ممکن نیسـت؛ زیرا توصیه به این امـر فرع بر اعتقاد به واقع‌نمایی تاریخ اسـت. از سـوی دیگر برخی گزاره‌های تاریخی اموری یقینی هستند؛ برای نمونه برخی از داسـتان‌هایی که صحت آن‌ها از طریق وحی (قرآن مجید) برای ما ثابت شده است، مانند داستان اصحاب کهف، توفان نوح (ع)، بلاها، نعمت‌ها و سرگردانی‌های بنی‌اسرائیل و... که گاهی ما آن‌ها را در لابه‌لای کتاب‌های تاریخی به‌صورت مشـابه می‌یابیم، به‌طور کامل عینی هستند و با واقعیت مطابقت دارند. در این میان، برخی محققان هنوز نتوانسته‌اند یافتن واقعیت مطلق در تاریخ را کاملاً انکار کنند؛ از این‌رو پس از نقل شبهه‌هایی که حجیت تاریخ را زیر سؤال می‌برند، گفته‌اند:

> «نگارنده نمی‌گوید که در تاریخ چیزی به اسـم واقعیت وجود ندارد، بلکه آنچه دربارهٔ آن اصرار ورزیده‌ام، این اسـت که کشف واقعیت دربارهٔ گذشته، کاری مشکل‌تر از آن است که بیشتر تاریخ‌نویسان حرفه‌ای متوجه هستند» (والش، ۱۳۶۳، ص ۲۰۴).

۲. اصل امکان تطبیق تاریخ

یکی از اصول مهم تاریخ‌پژوهی اصل امکان تطبیق تاریخی اسـت. بشر از دیرباز، به‌صورت فطری از سرگذشت پیشینیان برای شناخت و ساختن آینده بهره می‌برده است. تجربه‌آموزی و عبرت‌گرفتن از گذشـته برای حال و آینده سیرهٔ همیشگی بشـر بوده که گاه خودآگاه و گاهی ناخودآگاه صورت می‌گرفته اسـت. زمانی که دلیل برخی گفتارها و کردارهای انسـان‌ها را جویا می‌شـویم، آنان به سرگذشـت پیشینیان استناد می‌کنند و حوادث تلخ و شـیرین گذشته را علت تکوین گفتار و کردار خویش معرفی می‌کنند، یا در تحلیل برخی رخدادهای امروزی، به موارد مشابه گذشته استناد کرده و بـا این کار رخدادهای حال را تحلیل و رویدادهای آینده را پیش‌بینی می‌کنند. این روش که همان

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

مقایسهٔ گذشته با حال برای عبرت‌آموزی از گذشته برای آینده است «تطبیق تاریخی» نام دارد.

«تاریخ تطبیقی» و «تطبیق تاریخی» وجوه تمایز و اشـتراکاتی دارند. تمایز اول این است که در تاریخ تطبیقی، محقق اصالتاً به‌دنبال کشـف قوانین و قواعد حاکم بر حرکت تاریخ اسـت و هدف اصلی او عبرت‌گیری از تاریخ نیست؛ اگرچه گاهی به‌صورت ناخودآگاه عبرت حاصل می‌شود، اما در تطبیق تاریخی، مطالعه‌کنندهٔ تاریخ به‌دنبال عبرت‌گیری از دیروز برای امروز و فرداسـت؛ گرچه شـاید در پرتو تطبیق‌های مکرر بعضی قواعد حرکت تاریخ را نیز کشـف کند. تمایز دوم این است که تطبیق تاریخی برای بسـیاری از مطالعه‌کنندگان و آشنایان با تاریخ به‌راحتی انجام می‌شود، اما تاریخ تطبیقی و تولید قانون بر عهده فیلسـوفان و محققان تاریخ و علوم اجتماعی است؛ به سخن دیگر تطبیق تاریخی کاری تخصصی نیست و برخی توده‌های مردم این عمل را انجام می‌دهند و از برخی مقاطع تاریخی برای زمانهٔ خود عبرت می‌گیرند، اما تاریخ تطبیقی کاری تخصصی به‌شـمار می‌آید و از فیلسوفان و محققان تاریخ و جامعه‌شناسی برمی‌آید (بلک و مک رایلد، ۱۳۹۰؛ ساعی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۲-۲۰۴).

دربـارهٔ امکان تطبیق‌های تاریخی می‌توان سـه دیدگاه «عدم امـکان مطلق»، «امکان مطلق» و «امکان مشـروط» را تصور کرد. براسـاس دیدگاه نخسـت، تطبیق‌های تاریخی در هر شرایطی غیرممکن و ناروا هسـتند. دیـدگاه دوم بیان می‌کند، تطبیق‌های تاریخی بدون هیچ قید و شـرطی ممکن و روا هستند، اما براساس دیدگاه سوم، که منطبق بر تعالیم اسلام است، اصل تطبیق تاریخی امری ممکن و رواست؛ زیرا توصیه به عبرت‌آموزی از تاریخ در تعالیم اسلامی فرع بر تطبیق است، اما تطبیق‌های تاریخی نه مطلقاً صحیح و روا هسـتند و نه مطلقاً غیرممکن و ناروا، بلکه تطبیق روا شـروط و معیارهایی دارد که اگر رعایت شـوند، روا و عبرت‌آموز اسـت و اگر رعایت نشوند ناروا و خالی از عبرت‌آموزی اسـت. براساس دیدگاه سـوم، تطبیق‌های تاریخی درصورتی روا و ممکن هستند که حساب‌شده و همراه با درنظرگرفتن معیارها و قواعد خاص خود باشند؛ وگرنه عملی ناروا و نادرسـت به‌شمار می‌آیند. مقصود ما از امکان تطبیق، روابودن تطبیق است. مقصود از تطبیق روا نیز تطبیقی اسـت که از منظر عقل و سیرهٔ عقلا شایستهٔ عبرت‌آموزی است و مقصود از تطبیق ناروا تطبیقی است که شایسـتهٔ عبرت‌آموزی نیست؛ بنابراین مراد ما از دلایل امکان تطبیق این است که آیـا تطبیق یک مقطع تاریخی بر مقطع دیگر یا دوران معاصـر و عبرت‌آموزی از آن توجیه عقلی یا نقلی دارد یا تنها از سـر عادت و بدون پشتوانهٔ عقلی یا نقلی است و درصورت داشتن دلیل، دلایل آن چیست؟ با توجه به این مقدمه، در ادامه مهم‌ترین دلایل امکان تطبیق گذشته بر حال آمده است:

الف) نخستین دلیل امکان تطبیق تاریخی این است که براساس مبنای اختیار و آزادی انسان در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

انجام افعال خویش، یکی از عناصر اصلی سازندهٔ تحولات تاریخ، انسان است؛ به‌گونه‌ای‌که اگر انسان از تحولات تاریخی جهان حذف شود، آن تحول هویت تاریخی خود را از دست می‌دهد. ازآنجاکه براساس مبانی اسلامی انسان‌ها ذاتیات و سرشت مشترک دارند (دارای گرایش‌ها و بینش‌های ذاتی مشابه هستند)، در برابر پدیده‌های مشابه واکنش مشابه نشان می‌دهند؛ پس ذاتیات مشترک آن‌ها منشأ تجلی واکنش‌های مشترک در برابر کنش‌های مشابه می‌شود و همین امر بسترساز تکرار تاریخ است؛ درنتیجه تاریخ تطبیقی امری منطقی و ممکن به‌شمار می‌آید.

ب) دومین دلیل امکان تطبیق تاریخی این است که براساس مبانی فیلسوفان مسلمان تاریخ و تصریح متون وحیانی حرکت تاریخ، حرکتی قانون‌مند است. قرآن مجید نیز قانونمندی تحولات تاریخ را تأیید می‌کند؛ به‌گونه‌ای‌که در برخی آیات به این قوانین با عنوان سنت الله تصریح شده و ویژگی‌هایی برای آن برشمرده است که کاملاً با قوانین حقیقی انطباق دارد (رک: فاطر: ۴۳-۴۲). بدیهی است وقتی پذیرفتیم حرکت جامعه و تاریخ قانون‌مند است، درمی‌یابیم میان مقاطع مختلف تاریخ گسلی وجود ندارد، بلکه قوانین مشترکی بر همهٔ مقاطع تاریخ حاکم است که وقتی دلیل هر قانونی محقق شود، آن قانون سریان می‌یابد. همین امر تطبیق مقاطع تاریخی بر یکدیگر را ممکن و مقبول می‌کند.

ج) سومین دلیل امکان و ضرورت تطبیق گذشته با زمان حاضر مبنای درون‌دینی، یعنی امکان عبرت‌آموزی از تاریخ است. قرآن مجید نیز در سوره‌های متعددی از قرآن انسان‌ها را به عبرت‌آموزی از حیات پیشینیان دعوت می‌کند (یوسف: ۱۱۱؛ نازعات: ۲۶؛ حشر: ۲).

عبرت‌گرفتن از سرگذشت پیشینیان منوط به این است که زندگی آن‌ها با زندگی انسان‌های کنونی تطبیق داده شود؛ وگرنه اگر بنا باشد میان جوامع و انسان‌های گذشته با جوامع و انسان‌های حال و آینده تمایز ذاتی وجود داشته باشد، به‌گونه‌ای‌که مقایسهٔ تطبیقی آن‌ها با فرد و جامعهٔ کنونی میسر نباشد، عبرت‌گرفتن از سرنوشت آنان برای ما آیندگان غیرممکن و نامعقول است؛ حال آنکه دین به امر غیرممکن و نامعقول دستور نمی‌دهد؛ بنابراین باید گفت از منظر عقل و وحی عبرت یکی از فواید مهم، اجتناب‌ناپذیر و گران‌بهای مطالعهٔ تاریخ است و در بسیاری از موارد بدون تطبیق گذشته با حال حاصل نمی‌شود؛ بدین‌ترتیب بیان تاریخ به‌صورت تطبیقی به‌ویژه با زمان حاضر موجب تحصیل مهم‌ترین فایدهٔ تاریخ می‌شود و امری اجتناب‌ناپذیر و ممکن به‌شمار می‌آید. همچنین دیدگاهی که منکر امکان تطبیق در تاریخ است، درست نیست.

۳. اصل مرجعیت کلام برای تاریخ

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

برخی معتقدند محقق نباید با پیش‌فرض‌های اعتقادی وارد تحقیقات علمی شود. براساس این مبنا بیرون‌آمدن از اعتقادات کلامی شـرط ورود به تحقیقات تاریخی است. از دیدگاه آنان دخالت‌دادن اعتقـادات کلامـی در تحقیقات تاریخی خـلاف عینیت‌گرایی در پژوهش تاریخی اسـت (رک: چالمرز، ۱۳۷۹، ص ۱۳۷؛ آرون، ۱۳۶۳، صص ۲۲۰ و ۲۲۳-۲۲۲). همچنین با سـکولاربودن دانش مذکور سـازگار نیست و موجب تحریف تاریخ می‌شـود، اما مهم‌ترین نقدهای این دیدگاه این اسـت که ۱. رویکرد عینی‌گرایی در روش تحقیق بر مبانی معرفتی نادرستی استوار است. ۲. بر فرض پذیرش این رویکرد مستلزم عدم جواز دخالت همهٔ باورهای کلامی در تاریخ نیست. ۳. این رویکرد امروزه منسـوخ شده است. در ادامه مهم‌ترین دلایل ضرورت تأثیرگذاری مسلمات کلامی شیعه بر تاریخ‌پژوهی آمده است:

الف) پدیده‌هایی که مورخ بررسـی می‌کند، ابعاد گوناگونی دارد که فهم همهٔ آن‌ها با روش‌های معمول تحقیق در تاریخ‌پژوهی صورت نمی‌گیرد، اما به‌کمک علوم دیگر از جمله علم کلام می‌توان ابعاد ناشناختهٔ آن‌ها را کشف کرد. ازآنجاکه کشف آن ابعاد در شناسایی و تحلیل پدیده‌های تاریخی تأثیری مسـتقیم دارد، لازم اسـت مورخان از دستاوردهای علم کلام برای شناسـایی ابعاد پنهان پدیده‌های تاریخی استفاده کنند؛ برای نمونه وقتی در علم کلام قدرت اعجاز پیامبران (ص) اثبات شـد، گزارش شق‌القمر (دو قسم‌کردن ماه) توسـط پیامبر خاتم (ص) در منابع تاریخی درصورت اعتبار سـند و صحت دلالت نزد مورخان شیعه مصداق شمرده می‌شود، اما مورخان سکولار آن را گزارشی مخدوش و تحریف تاریخ یا سحر و جادو می‌دانند. (رک:.-j.Horoviz, Entry of mirad j,Encyclopedia of Islam, 2nd Ed, v. 7, p. ۹۷ نقـل از رنجبـران، ۱۳۹۵، ص ۴۱۰؛ رضایی، ۱۳۹۲، صـص ۸۶-۸۵)؛ به سـخن دیگر وقتی گزارش‌های معتبـر کاری خارق‌العاده را به خاتم پیامبران (ص) نسبت بدهند، دانش کلام در تفسیر آن کار دخالت می‌کند و مورخ مسلمان براساس کلام اسـلامی آن را معجزه می‌شـمارد، اما مورخ سکولار براسـاس مکتب سکولار آن را سحر یا چشم‌بندی می‌خواند.

ب) براسـاس ادلهٔ متقن کلامی حوادث تاریخی تنها معلول علل ظاهری و مادی نیست، بلکه سلسله علل غیبی در تکوین آن‌ها دخالت دارد که بی‌توجهی به آن‌ها به تحلیل ناقص و نادرست از تحولات تاریخی می‌انجامد؛ از این‌رو تعلیل علمی تاریخ مستلزم شناسایی علل غیبی حوادث در پرتو مطالعهٔ علوم مختلف از جمله علم کلام است.

ج) هـر علمی اصول موضوعه‌ای دارد که در دانش دیگری بررسـی و اثبات می‌شـوند، اما در تحقیقات آن علم تأثیرگذارند. یکی از این علوم که برخی اصول موضوعهٔ دانش تاریخ در آن بررسی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

می‌شود علم کلام است؛ به همین دلیل توجه‌کردن به دانش کلام در تاریخ‌پژوهی ضروری است؛ بـرای نمونه در دانش کلام، اموری چون معجزه، کرامت، عصمت، علم غیب و تأثیر تکوینی برای برخی شخصیت‌ها به اثبات می‌رسد. ازآنجاکه علم تاریخ مبین چگونگی و چرایی رفتار آنان است، می‌توان گفت علم کلام شـیعه، به‌ویژه در بحث‌هایی مانند نبـوت و امامت مبین اصول موضوعهٔ تاریخ انبیا (ع)، پیامبر خاتم (ص) و امامان شیعه (ع) است؛ به‌طوری‌که تحقیق در تاریخ و سیرهٔ آن بزرگواران بدون لحاظ‌کردن اعتقادات معتبر شیعه دربارهٔ آنان علمی نیست.

د) واقعیت تاریخی پدیده‌ای اسـت که در عالم خارج وقوع یافته اسـت. دستیابی به این پدیدهٔ خارجی از هر طریق، چه به‌کمک دانش تاریخ و چه از طریق دانش کلام، آن را از پدیدهٔ تاریخی‌بودن (واقعیتی که در زمان و مکان خاصی در گذشته محقق شده است) خارج نمی‌کند و موجب تحریف آن نمی‌شـود. تحریف، صفت تصویرها و تفسیرهایی اسـت که ما از واقعیت ثابت خارجی ارائه می‌دهیم. اگر تصویر منطبق بر آن واقعیت خارجی نباشد، تصویر یا تفسیر مُحَرَّف خواهد بود و اگر منطبق باشد تصویر یا تفسـیر صحیح و غیرمُحَرَّف شمرده می‌شود؛ بنابراین تأثیرگذاری مسلمات کلامی شـیعه بر تاریخ‌پژوهی امری عقلانی و اجتناب‌ناپذیر اسـت؛ به‌گونه‌ای‌که علم کلام شیعه مرجع تاریخ‌پژوه به‌شـمار می‌آید و او باید همواره دستاوردهای تحقیقات تاریخی خود را به دانش کلام عرضه کند؛ البته اگر اعتبار معرفت‌شناسـانهٔ گزارهٔ کلامی از گزارهٔ تاریخی بیشتر باشد، مقدم خواهد شـد؛ برای نمونه در برخی اخبار تاریخی آمده اسـت، هنگامی که رسـول خدا (ص) در مکه در حال خواندن آیات سـوره نجم بود، وقتی به این آیه رسـید که «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى وَمَنَاةَ الثَّالِثَـةَ الْأُخْرَى؛ به من خبر دهید آیا بت‌های «لات» و «عزّی» و «منات» که سـومین آن‌هاسـت (دختران خدا هستند)» (نجم: ۲۰-۱۹)، شـیطان به زبانش انداخت که «و تِلکَ الغَرانِیقُ العُلی وَ إنَّ شَفاعَتُهُنَّ لَتُرتَجی؛ آن بت‌ها بلندپایه بوده و شفاعت آن‌ها مایهٔ امید است» (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، صص ۳۶۷-۳۶۶).

این خبر حاکی از آن اسـت که پیامبر خاتم (ص) به‌دلیل وسوسهٔ شیطان گاه کلام او را به‌عنوان وحی به مردم ابلاغ می‌کرد. اگر سـند این خبر صحیح باشـد، با توجه به اینکه خبر واحد است، از لحاظ معرفت‌شناسانه گزاره‌ای ظنی محسوب می‌شود؛ درحالی‌که گزارهٔ کلامی «پیامبر خاتم (ص) معصوم اسـت» مبتنی بر برهان عقلی و دلیل نقلی قطعی و گزاره‌ای یقینی اسـت و گزارهٔ یقینی بر گزارهٔ ظنی ترجیح دارد؛ بنابراین علامه طباطبایی دربارهٔ این خبر می‌نویسـد: «ولیکن ادلهٔ قطعی‌ای که دلالت بر عصمت آن جناب دارد، متن این روایت را تکذیب می‌کند» (رک: طباطبایی، **۱۴۰۳ ق**، ج ۱۴، ص ۳۹۶).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

۴. اصل حاکمیت سنت‌های الهی بر حرکت تاریخ

یکی از فروعات اصل مرجعیت کلام شیعه اصل حاکمیت سنت‌های الهی بر حرکت تاریخ است؛ زیرا بر مبنای توحید افعالی تحولات تاریخی نیز از طور افعال الهی خارج نیست. از سوی دیگر براساس تصریح آیات قرآن ارادهٔ الهی در تاریخ از مجرای سنت‌های الهی اعمال می‌شود؛ یعنی همان‌گونه که تحولات نظام طبیعت براساس قوانین الهی ثابتی تحقق می‌یابد، تحولات نظام بشری و روابط اجتماعی نیز براساس قوانین ثابت الهی شکل می‌گیرد. قوانین الهی حاکم بر حرکت جامعه و تاریخ نیز بخشی از این قوانین هستند. آیات متعدد با بیان‌های مختلف بر قانونمندبودن حرکت تاریخ دلالت دارد؛ از آن جمله آیاتی که در آن‌ها عبارت «سنت الله» به‌عنوان قانون تغییرناپذیر حاکم بر تحولات تاریخی معرفی شده است؛ برای نمونه در آیهٔ ۴۳ سوره فاطر بعد از نقل برخی اموری که بر امت‌های پیشین گذشت، می‌خوانیم: «فَلَنْ تَجِدَ لِسنت اللّه تَبْدِیلاً وَ لَنْ تَجِدَ لِسنت اللّهِ تَحْوِیلاً: هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی». این عبارت حاکی از آن است که نفس سنت الهی و موردی که بر آن جاری می‌شود، تغییرناپذیر است؛ یعنی این‌گونه نیست که سنت عذاب ناگاه به سنت نعمت مبدل شود یا برعکس. همچنین سنتی که باید بر قوم مستحق آن نازل شود، ناگاه به قوم دیگری که مستحق آن نیست اصابت نمی‌کند؛ به دیگر سخن تبعیض و استثنا در سنت الهی راه ندارد (طباطبایی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۷، ص ۵۸).

در برخی آیات قرآن مجید مانند آیهٔ ۱۱۱ سورهٔ یوسف، انسان‌ها به عبرت‌آموزی و پندگرفتن از سرگذشت پیشینیان دعوت شده‌اند. از این دعوت معلوم می‌شود، از دیدگاه قرآن وجوه اشتراک تکوینی بین گذشتگان و آیندگان وجود دارد که عبرت‌اندوزی و پندآموزی آیندگان را از سرشت و سرنوشت گذشتگان امکان‌پذیر و سودمند می‌کند و این خود حکایت از حاکمیت قوانینی ثابت بر حرکت تاریخ دارد. قرآن مجید سرگذشت پیشینیان را آیه و نشانه‌ای برای هدایت آیندگان معرفی می‌کند. (رک: شعراء: ۶۷)، اما باید توجه داشت، درصورتی سرگذشت و سرنوشت امت‌های گذشته می‌تواند مایهٔ پندآموزی و هدایت برای مردمان آینده باشد که قوانین مشترکی بر همهٔ جوامع و تاریخ حاکم باشد؛ وگرنه چگونه می‌توان گفت اگر امت‌های آینده مانند گذشته عمل کنند، به سرنوشت آنان دچار می‌شوند. با توجه به شواهد قرآنی فوق، از منظر قرآن تاریخ سنت‌مند است و سنت‌های الهی دوام، ضرورت و استثناناپذیری دارند؛ از این‌رو بیانگر رابطهٔ علی و معلولی هستند و اصطلاح «قانون حقیقی» در برابر «قانون اعتباری» برای آن‌ها صدق می‌کند. بر این اساس یکی از اصول مهم دخیل در تحلیل تحولات تاریخ و سیرهٔ معصومان (ع) توجه به نقش سنت‌های الهی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

حاکم بر حرکت تاریخ اســت؛ به‌طوری‌که بدون توجه بــه آن محقق نمی‌تواند تصویری صحیح از تحولات تاریخی و ســیرهٔ معصومان داشته باشــد. همچنین تأثیر قوانین الهی را در تحولات تاریخ و ســیره مشــاهده نمی‌کند و در درک واقعیت‌های تاریخ ناکام می‌ماند. شیخ مفید در کتاب ارشاد می‌نویسد:

«وقتی کار خلافت ابوبکر به پایان رسید و مردم با او بیعت کردند، مردی حضور علی (ع) رسید و عرض کرد، مردم با ابوبکر بیعت کردند. علی (ع) فرمود: «بســم اللَّه الرحمن الرحیم، أَحَسِــبَ النّــاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَلَقَدْ فَتَنّا الّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنّ اللّهُ الّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنّ الْكَاذِبِينَ، أَمْ حَسِــبَ الّذِينَ يَعْمَلُونَ السّــيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَــاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (عنکبوت: ۴-۱)؛ آیا مردم چنین پنداشــتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان (به خدا) آورده‌ایم رهاشان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟ ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و این‌ها را نیز امتحان می‌کنیم). باید علم خدا دربارهٔ کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد! آیا کسانی که اعمال بد انجام می‌دهند گمان کردند بر قدرت ما چیره خواهند شــد؟! چه بد داوری می‌کنند!» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، صص ۱۹۰-۱۸۹).

استشــهاد امام علی (ع) در مقام تحلیل رخداد سقیفه و انحراف مسیر خلافت به آیات دال بر سنت آزمایش نشان می‌دهد، در کنار تحلیل سیاسی و اجتماعی تحولات تاریخی، باید به زمینه‌های بنیادی نقش‌آفرین در پیدایش تحولات توجه کرد. این واقعه حاکی از آن اســت که سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ ســهم بسزایی در محاسبات انســان معصوم در تحلیل تحولات سیاسی، اجتماعی و دگرگونی‌های تاریخی دارد و بدیهی اســت درنظرگرفتن این ســنت‌ها در کنش و واکنش معصوم در برابر رخدادهای اجتماعی و درنتیجه در ســیرهٔ معصوم تأثیرگذار است؛ از این‌رو محققان تاریخ به‌طور عام و محققان ســیره معصومان به‌طور خاص باید به اصل ســنت‌مندی تاریخ توجه کنند تا تحلیل عمیق و دقیق‌تری از تاریخ و ســیره داشــته باشــند. غیر از اصول فوق، برخی اصول دیگر را می‌توان براساس مبانی و اهداف تاریخ‌پژوهی اسلامی یافت و به‌عنوان اصول حاکم بر تاریخ‌پژوهی اســلامی مطرح کرد کــه به‌دلیل محدودیت‌های موجــود در این مجال کوتــاه از پرداختن به آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

۵. اصل عدم تعارض با قرآن

برخی محققان تاریــخ، تعریف خاصی از «منابع دانش تاریخ» دارنــد و تحقیقاتی را که مبتنی بر آن منابع باشــد، علمی می‌دانند و به‌منزلهٔ یــک تحقیق تاریخی علمی می‌پذیرند. از منظر آن‌ها، در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

پژوهش‌هـــای تاریخی «منبع» (Source) به آثار مکتوبی گفته می‌شـــود که با موضوع اثر از حیث زمانی معاصر باشد و داده‌های اولیه را دربارهٔ رخدادهای تاریخی در اختیار ما قرار دهد؛ به عبارت دیگر زمانی که گزارش و حادثهٔ تاریخی از نظر زمانی، فاصلهٔ زیادی با یکدیگر نداشـــته باشـــند، به آن «منبع تاریخی» اطلاق می‌شـــود (رســـتم، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴). بدیهی است چنین تعریفی متأثر از نگرش اثبات‌گرایانه به پژوهش‌های تاریخی اســـت. براساس این نگرش، تحقیقات و گزاره‌های تاریخی زمانی اعتبار دارد که مبتنی بر مشـــاهده باشـــد و منبعی که از حادثه بســـیار دور اســـت، گزارش‌هایش به‌دلیل اینکه مستقیم یا غیرمستقیم مشاهده نشده است، اعتباری ندارد.

اشـــکال این دیدگاه آن اســـت که تعریف آنان از منبع تاریخی جامع نیست؛ زیرا منبع تاریخی در منابعی منحصر نیســـت که براساس مشاهدهٔ حسی از حوادث نزدیک به نگارش یک اثر مکتوب تکوین یافته باشـــد؛ بنابراین شـــیوهٔ تاریخ‌نگاری برخی از محققان تاریخ نشان می‌دهد، آنان چنین تعریفی از «منبع» را نپذیرفته‌اند و معتقدند، تاریخ دانشـــی است که از حوادث مهم گذشتهٔ زندگی بشر پرده برمی‌دارد. حال هر اثر مکتوب یا غیرمکتوبی که بتواند گزارش‌های معتبری از رخدادهای تاریخی در اختیار مورخ بگذارد، منبع تاریخ به‌شـــمار می‌آید؛ اعم از اینکه گزارشـــگر خدا باشد یا انسان، انسان معصوم و دارای علم غیب باشد یا غیرمعصوم و دارای علم اکتسابی، یا از حیث زمانی معاصر حادثهٔ تاریخی بوده یا فاصلهٔ زیادی با آن داشته باشد. آنچه در منبع‌بودن اصالت دارد، اعتبار گزارش اســـت که تنها از طریق مشاهدهٔ بی‌واسطه یا باواسطه تحقق نمی‌یابد، بلکه گاه به‌وسیلهٔ علم غیب تکوین می‌یابد.

البته این تعریف از منبع در جایی به‌صورت مکتوب یافت نشـــده، ولی ســـنت تاریخی‌نگاری مورخان قدیم و جدید اســـلامی کاملاً مؤید مقبولیت تعریف مذکور نزد آنان اســـت (رک: طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، صص ۱۸۰ و ۴۴۵؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶؛ العاملی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، صص ۲۶۷-۲۶۶؛ یوســـفی غروی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۵۶)؛ بنابراین اساس منبع در تاریخ منحصر به منابع مکتوب نزدیک به حادثه نیست. براســـاس مبانی کلامی شیعه، قرآن مجید یکی از معجزات جاویدی اســـت که بر حقانیت دعوت پیامبر خاتم (ص) و تعالیم اســـلام دلالت می‌کند. از سوی دیگر خود کلام خداوند متعال است و محتوای آن در هر زمینه‌ای با واقعیت مطابقت دارد. یکی از عرصه‌هایی که قرآن مجید در آن ورود کرده، نقل برخی حوادث تاریخی و تحلیل آن‌هاست.

کلام شیعه با اثبات معجزه‌بودن قرآن مجید، جایگاه این کتاب را به‌عنوان وحی آسمانی و کلام خداوند متعال تثبیت می‌کند. همچنین ازآنجاکه خداوند علم بی‌نهایت و علم غیب ذاتی و بی‌منتها دارد، اشـــارات و فرازهای ناظر به تاریخ قرآن مجید به‌عنوان یک منبع معرفت‌بخش مقطوع‌الصدق

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

تاریخ به‌شـــمار می‌آیند؛ زیرا دانش تاریخ همان «معرفت به وقایع مهم گذشتهٔ انسانی است» و هر منبعی که موجب شـــناخت انسان از وقایع مهم گذشته شـــود، منبعی تاریخ محسوب می‌شود؛ از این‌رو مورخان اســـلامی هنگام تعارض داده‌های تاریخی منابع دســـت‌اول تاریخی مانند سیرهٔ ابن هشام، مغازی واقدی و تاریخ طبری با گزارش‌های قرآن مجید از حوادث گذشته، گزارش‌های قرآن مجید را صحیح و گزارش‌های منابع دست اول تاریخی را غلط می‌شمارند.

۶. اصل تعارض با احادیث معصومان (علیهم‌السلام)

یکـــی دیگر از فروعات اصل مرجعیت کلام شـــیعه اصل عدم تعارض بـــا احادیث معصومان (ع) اســـت؛ زیرا یکی از تأثیرات مهم علم کلام شـــیعه بر تاریخ‌نگاری این اســـت که این علم مورخ را بـــه منبعی معتبر برای تاریخ نقلی، تحلیلی و فلســـفهٔ تاریخ راهنمایـــی می‌کند. این منبع، احادیث معصومان (ع) یعنی پیامبران و امامان دوازده‌گانهٔ شـــیعه اســـت. علم کلام با اثبات عصمت و علم لدنی معصومان، ارزش معرفت‌شناســـانهٔ ســـخنان معصومان (ع) را تا مرز ســـخنان منطبق با واقع ارتقا می‌بخشـــد؛ بدین‌ســـان احادیث ناظر به دانش تاریخ ازآنجاکه با واقعیت منطبق هستند، برای مورخ معتبرند؛ اگرچه معصومان (ع) اخبار تاریخی را بدون ذکر هیچ سندی بیان کرده باشند؛ زیرا براساس اعتقاد شیعه، معصومان (ع) به منبع علم بی‌منتهای الهی متصل هستند و علم غیب دارند. یکی از ابعاد علم غیب نیز آگاهی‌داشـــتن از حوادث گذشته و آینده است؛ یعنی خداوند آن‌ها را از حوادث گذشته و آینده آگاه می‌کند.

احادیـــث معصومان (ع) نیز مانند آیات قرآن مجیـــد گاه به تاریخ نقلی، گاه به تاریخ تحلیلی و گاه به فلســـفهٔ تاریخ نظارت دارند. با اثبات واقع‌نمایی احادیث تاریخی معصومان (ع)، در مواردی که معصومان دربارهٔ مقطع خاصی از تاریخ ســـخنی دارنـــد، باید به احادیث آنان مراجعه کرده و از آموزه‌های تاریخی معصومان اســـتفاده کنند. در این میان، اگر امـــکان رفع تعارض میان گزاره‌ها و تحلیل‌های مورخان با احادیث معصومان (ع) وجود نداشـــته باشـــد، احادیث آنان مقدم می‌شود؛ برای نمونـــه اگر امام صادق (ع) حضرت ابوالفضل العباس (ع) را شـــخصیتی دارای ایمان قوی و صاحب بصیرت نافذ معرفی کردند، ولی در گزارش مورخان چنین گزارشـــی نیامده است، مورخان باید پس از اعتبارسنجی سندی و دلالی آن‌ها را نقل کنند.

۷. اصل حاکمیت عقل ناب

معارف عقلی دو دسته است: یقینیات و غیریقینیات که از این میان، یقینیات به بدیهیات و نظریات

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

تقسیم می‌شوند. نظریات قضایای اکتسابی هستند که سرانجام به بدیهیات منتهی می‌شوند؛ بنابراین بدیهیات اصول یقینیات به‌شـــمار می‌آیند که به انواع گوناگونی چون اولیات، مشاهدات، تجربیات، متواترات و فطریات تقســـیم می‌شوند (رک: مظفر، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۱۴)؛ بنابراین معارف عقلی در یک تقسیم‌بندی به بدیهیات و غیربدیهیات تقسیم می‌شوند؛ قضایایی مانند «کل بزرگ‌تر از جزء است» و «اجتماع نقیضین محال اســـت» از بدیهیات و ضروریات عقلی به‌شمار می‌آیند. معارف عقلی به‌دلیل اینکه ریشه در بدیهیات دارند، معارف مسلم هستند و برخلاف مظنونات و مشکوکات می‌توان آن‌ها را احکام عقل ناب شـــمرد؛ زیرا امر ناب خالص و تهی از هر شـــبهه و خطایی است. مســـلمات عقلی نیز اموری هســـتند که عقلاً یا وقوعاً خطا و اشتباه در آن‌ها ممکن نیست. قرآن در موارد متعددی بر استفاده از قوهٔ عقل ناب و التزام به احکام آن تأکید کرده است؛ برای نمونه در سورهٔ نحل می‌فرماید: «وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومُ مُسَخَّراتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يعْقِلُونَ» (نحل: ۱۲).

برخی آیات قرآن (روم: ۲۴؛ عنکبوت: ۴۳-۴۱) به‌روشـــنی به انسان‌ها توصیه می‌کند با تعقل در نظام طبیعت و پدیده‌های شـــگفت آن و با درنگ در حوادث گذشته عالم به وجود خدای خالق، حکیم و قادر و مدبر عالم پی ببرند و زندگی توحیدی خود را سامان دهند. قرآن مجید دربارهٔ تاریخ، پس از نقل داســـتان حضرت یوســـف (ع) می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوســـف: ۱۱۱)؛ یعنی عبرت‌گرفتن از تاریخ مشروط به تعقل و اندیشـــه است. عبرت فرع بر فهم تاریـــخ بوده و فهم تاریخ منوط به اعتبارســـنجی گزاره‌های تاریخی اســـت؛ بنابراین وقتی عبرت از تاریخ منوط به اســـتفادهٔ عقل است، نقد و بررسی گزاره‌های تاریخی و تمییز صحیح از غیرصحیح نیز محتاج میزانی به نام عقل اســـت. با توجه به اصل عقلـــی و دینی ضرورت تبعیت از عقل ناب، یکی از اصول حاکم بر هر پژوهش علمی این اســـت که با احکام عقل ناب تعارض نداشته باشد؛ زیرا تعارض با احکام عقل ناب به‌دلیل اینکه صدق احکام عقل ناب یقینی است، لاجرم مبین کذب دستاورد آن پژوهش اســـت. حال چه این پژوهش در حوزهٔ تاریخ و سیره باشد، یا در حوزهٔ فلسفه، کلام، فیزیک، شیمی و...

بنابراین تعارض یک گزاره یا تحلیل تاریخی با احکام عقل ناب نشـــانهٔ کذب آن گزاره یا تحلیل خواهد بود و نشـــان می‌دهد که انســـان عاقل هوشـــیار این کار را انجام نداده است؛ زیرا اسلام بر تبعیت از حکم عقل ناب به‌عنوان معیار اعتبارسنجی امور تأکید فراوانی کرده و به مسلمانان توصیه می‌کند گفتار و کردارشـــان را با عقل ناب منطبق کنند و در شکوفایی آن بکوشند؛ درنتیجه مورخان و ســـیره‌پژوهان باید همواره هماهنگی دستاوردهای پژوهشی خود را، چه در مرحلهٔ گردآوری و چه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

در مرحلهٔ تحلیل با بدیهیات عقلی که از احکام مسلم عقلی است، بسنجند؛ زیرا مسلمات عقل انسانی، مهم‌ترین ابزار اعتبارسنجی در تعاملات فکر بشر است؛ بنابراین همان‌گونه که عقل در دانش‌های عقلی، نقلی و تجربی معیار اندیشه است، می‌تواند در زمینهٔ شناخت درستی یا نادرستی داده‌ها، تحلیل‌های تاریخی و سیرهٔ معصومان معیار اعتبارسنجی باشد.

هرگاه متن یک گزارش تاریخی براساس عرضهٔ آن بر عقل و معیارهای عقلی ارزیابی شود، می‌توان آن را روش عقلی در نقد تاریخی نامید. در ادامه به برخی از نمونه‌های خلاف مسلمات عقلی در نقل‌های تاریخی پرداخته‌ایم.

گزارش جمعیت سپاه عمر بن سعد

یکی از کتاب‌های تاریخی دربارهٔ تعداد افراد سپاه عمر بن سعد در روز عاشورا نوشته است که در کربلا ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر لشکر عمر سعد بود (دربندی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۳). این گزارش به دلایل متعدد با عقل مطابقت ندارد؛ زیرا:

الف) براساس بالاترین آمارها تعداد نیروهای امام علی (ع) در جنگ صفین، که مشتمل بر رزمندگان کوفه و سایر شهرهای عراق و حجاز بود، کمتر از ۱۰۰ هزار نفر بودند و فاصله جنگ صفین تا حماسه عاشورا ۲۳ سال بوده و این جمعیت هرگز به ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر نرسیده بود.

۲. میدان رزم کربلا گنجایش این را نداشت که این همه لشکر را در خود جای دهد و اساساً کوفه گنجایش این چنین جمعیتی را نداشت.

۳. براساس گزارش ابومخنف، مجموع فرماندهان لشکر کوفه ۱۰ نفر بودند و فرماندهی و نظم‌بخشی ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر با ۱۰ فرمانده ممکن نبود (رک: طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۵، ص ۴۲۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۹۵؛ أبومخنف، ۱۳۶۷، ص ۲۰۴).

۴. تجهیز این رقم بالا از سربازان و تأمین تدارکات و تغذیهٔ آن‌ها برای دستگاه خلافت کوفه میسور نبود.

البته باید توجه داشت که مقصود ما از هماهنگی تاریخ با عقل تنها به‌معنای مخالفت با مقتضای عقل است، نه داشتن دلیل عقلی؛ زیرا شاید اقامهٔ دلیل عقلی برای برخی از خوارق عاداتی که در سیرهٔ معصومان به‌عنوان انسان‌های ویژه نقل شده است، با توجه به علم ناچیز و عقل ناقص ما ممکن نبوده و توجیه عقلانی آن‌ها میسور نباشد؛ زیرا آن بزرگواران به‌دلیل داشتن علم لدنی درصورت ضرورت می‌توانستند به‌کمک علوم غیراکتسابی خود کارهایی انجام دهند که از منظر ما برای بشر معمولی ممکن نیست؛ درنتیجه خرق عادت به‌شمار می‌آید و توجیه آن بسیار دشوار

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

و حتی برای ما غیرممکن اســت، اما تــا زمانی که این خوارق عادات مخالف عقل ناب نباشــد، وقوعشــان ممکن است، ولی اگر مخالف دستاوردهای مسلم عقلی باشد، پذیرفته نیست؛ پس بین مخالفت حدیث یا خبر معصوم با عقل، با نداشتن دلیل عقلی برای آن تفاوت وجود دارد؛ زیرا تأیید و تکذیب بســیاری از اخبار سیرهٔ معصومان و نفی و اثبات آن‌ها از دسترس عقل ناقص بشر عادی کوتاه اســت؛ از این‌رو اگر خبری واجد سایر شرایط صحت بود، به‌شرط مخالفت‌نکردن آن با عقل باید آن را پذیرفت؛ هرچند دلیل عقلی نیز برای آن نداشته باشیم.

۸. اصل امکان تحقق در تاریخ

یکی از اصــول مهم دیگر در ارزیابی گزاره‌ها و تحلیل‌های مورخان و سیره‌نویســان، امکان تحقق در تاریخ اســت. اگر برخی از دســتاوردهای تاریخی مورخان با مسلمات و امور قطعی تاریخی یا غیرتاریخی معارض باشــد، پذیرفته نیست. اگرچه می‌توان این اصل را از فروعات اصل هماهنگی با عقل ناب شــمرد، به‌دلیل اهمیت و کاربرد خاصش در تاریخ آن را به‌طور جداگانه ذکر کرده‌ایم. مورخان با توجه به اصل امکان تحقق در تاریخ توانسته‌اند به دروغ‌بودن برخی گزارش‌های تاریخی پــی ببرند؛ چنانکه ابن خلدون در نقد گزارش مســعودی و برخی مورخان دیگر که عدهٔ ســپاهیان بنی‌اســرائیل را هنگام آوارگی در بیابان «تیه» ۶۰۰ هزار نفر گزارش کرده‌اند، معتقد است اگر چنین ســپاه گرانی در مصر و شــام بود، امکان پرداخت مســتمری آن‌ها نبود و آن‌ها به تنگنای اقتصادی گرفتار می‌شــدند (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۶-۱۴). از سوی دیگر اگر سپاهیان بنی‌اسرائیل به چنین عددی می‌رســیدند، قلمرو فرمانروایی آنان هم توســعه می‌یافــت و دولت آنان بر مناطق وسیع‌تری حکومت می‌کرد، اما بنا بر آنچه معروف است، ممالک بنی‌اسرائیل از اردن و فلسطین در شــام و سرزمین‌های یثرب و خیبر در حجاز تجاوز نمی‌کرد (همان). همچنین با استشهاد به فاصلهٔ نسلی میان حضرت یعقوب (اسرائیل) تا حضرت موسی (ع) می‌نویسد:

«بسیار بعید است که نسلی در چهار پشت به چنین شماره‌ای برسد» (همان)

می‌بینید که ابن خلدون با تکیه بر اســتنباط‌های عقلی، قراین و شــواهد موجود به نقد گزارش مورخان دربارهٔ تعداد سپاه حضرت موسی (ع) می‌پردازد و به امکان تحقق تاریخی آن شک می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت امکان تحقــق در تاریخ از فروعات اصل ضرورت التزام به احکام عقل ناب است. گاهی یک راوی مدعی می‌شود که شخصی را از نزدیک دیده است، اما بعد از تحقیق معلوم می‌شــود، در زمانی که آن راوی مدعی است آن شــخص را دیده، با او نبوده است که چنین چیزی از لحاظ تاریخی پذیرفته نیســت؛ برای نمونه ماجــرای دروغین ترس و اختلال روانی پیامبر (ص)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

هنگام آغاز بعثت توسط عایشه نقل شده بود؛ درحالی‌که عایشه در سال چهارم یا پنجم بعثت متولد شده است (رک: عسقلانی، **۱۴۱۵ ق**، ج ۸، ص ۲۳۲) و این خبر مربوط به سال نخست بعثت است؛ پس خود عایشه این ماجرا را از نزدیک ندیده است و بین او و خبر نیز ناقلی وجود ندارد؛ بنابراین این گزارش از حیث سند به‌اصطلاح رجالیان مرسل است و این امر از اعتبارش می‌کاهد (عبدالمنعم، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۲۶۱).

همچنین سفر آسمانی رسول خدا (ص) یعنی سفر یک‌شبه از مکه به بیت‌المقدس و از آنجا به آسمان‌ها، که در تاریخ به إسراء و معراج معروف است، بی‌شک پیش از هجرت آن حضرت از مکه به مدینه رخ داده است. از سوی دیگر به‌طورقطع عایشه بعد از هجرت رسول خدا (ص) از مکه به مدینه به بیت رسول خدا (ص) منتقل شده است. براساس این دو امر مسلم تاریخی هرگز نمی‌توان خبری را که از عایشه بی‌واسطه دربارهٔ روحانی‌بودن معراج پیامبر (ص) نقل شده است، پذیرفت. از او نقل شده است:

«جسم رسول خدا (ص) در آن شب (شب إسراء و معراج) از دیده‌ام پنهان نشد، خدا او را با روحش سیر داد» (رک: سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۱۵۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۹۲).

این خبر پذیرفته نیست؛ زیرا عایشه علم لدنی نداشته و پیش از هجرت به مدینه، در دورانی که رسول خدا (ص) در مکه به‌سر می‌برد، در بیت آن حضرت نبود؛ پس چگونه جسم رسول خدا (ص) را در شب اسراء و معراج در بیت آن حضرت دیده است؟! ازآنجاکه عقل ناب اعتماد به چنین خبری را جایز نمی‌داند، بنا بر اصل ضرورت التزام به احکام عقل ناب، اعتماد به آن نادرست است.

نتیجه‌گیری

۱. دین اسلام در پنج حوزهٔ مسائل، مبانی، اهداف، منابع و روش می‌تواند در تاریخ‌نگاری مؤثر باشد؛ از این‌رو تاریخ‌پژوهی اسلامی آن است که علوم تاریخی موجود به‌گونه‌ای بازسازی شوند که با مبانی، اهداف، منابع و روش اسلام سازگار باشند.

۲. مقصود از اصول تاریخ‌پژوهی اسلامی، گزاره‌های کلی و تجویزی است که راهکارهای دستیابی به اهداف تاریخ‌پژوهی اسلامی براساس مبانی آن را بیان می‌کند.

۳. «مبانی» گزاره‌هایی خبری هستند که یا بدیهی به‌شمار می‌آیند، یا از دانش‌های دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تعیین اهداف، اصول، موانع و روش‌های تاریخ‌پژوهی اسلامی کاربرد دارند؛ مانند توحید افعالی، معجزه‌بودن قرآن، اعتقاد به عصمت پیامبران و امامان شیعه، سرشت مشترک انسان‌ها و مختاربودن انسان.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

۴. «اهداف» تاریخ‌پژوهی اسلامی نتیجه‌ای است که محققان و برنامه‌ریزان تحقق آن را مطالبه می‌کنند؛ مانند دستیابی به شغل مناسب، کسب اعتبار اجتماعی، کسب درآمد، الگوگیری، هویت‌بخشی، عبرت‌آموزی، تولید حکم شرعی و قرب الهی.

۵. براســـاس یافته‌های این مقاله اصول حاکم بر تاریخ‌پژوهی اسلامی هشت اصل است که به دو دستهٔ اصول اصلی و اصول فرعی تقسیم می‌شود. اصول اصلی از اصل دیگری منشعب نشده‌اند، اما اصول فرعی از اصلی دیگر منشعب شده‌اند.

۶. بر این اســـاس چهار اصل واقع‌نمایی تاریخ، امکان تطبیق گذشته با حال، مرجعیت کلام برای تاریخ‌پژوهی و اصل حاکمیت عقل ناب، مهم‌ترین اصول اصلی حاکم بر تاریخ‌پژوهی اسلامی به‌شمار می‌آیند.

۷. چهار اصل حاکمیت ســـنن الهی بر حرکت تاریخ، تهافت‌نداشتن با قرآن و تعارض‌نداشتن با احادیث معصومان، از فروع اصل مرجعیت کلام شیعه و اصل امکان تحقق در تاریخ از فروع اصل حاکمیت عقل ناب اصول فرعی در تاریخ‌پژوهی اسلامی هستند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

کتابنامه

۱. **قرآن مجید.**

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن. ۱۳۶۶. **مقدمهٔ ابن خلـــدون**، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی. چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.

۳. أبومخنف، لوط بن یحیی. ۱۳۶۷. **وقعه الطف**. تحقیق محمدهادی یوســفی الغروی. ط الاولی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۴. اسلام‌پور کریمی، حسن. ۱۳۹۳. **خودآموز مقدمات پژوهش**. چاپ دوم. تهران: سمت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۵. ایمان، محمدتقی. ۱۳۹۴. **فلســفه روش تحقیق در علوم انســانی**. چاپ ســوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۶. آرون، ریمــون. ۱۳۶۳. **مراحل اساسی اندیشــه در جامعه‌شناسی**. ترجمهٔ باقر پرهام. چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۷. بلک، جرمی و م. مک رایلد، دونالد. ۱۳۹۰. **مطالعهٔ تاریخ**. ترجمهٔ محمدتقی ایمان‌پور. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۸. تستری، محمدتقی. بی‌تا. **قاموس الرجال**. چاپ اول. قم: مؤسسهٔ النشر الاسلامی.

۹. چالمرز، آلن فرانسیس. ۱۳۷۹. **چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی**. ترجمهٔ سعید زیباکلام. تهران: سمت.

۱۰. حافظ‌نیــا، محمدرضا. ۱۳۸۶. **مقدمــه‌ای بر روش تحقیق در علوم انســانی**. چاپ سیزدهم. تهران: سمت.

۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. **لغت‌نامه**. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

۱۲. رســتم، اســد. ۱۳۹۲. **مصطلح التاریخ: روش نقد تاریخی؛ روایــت بوم‌محور از تاریخ‌ورزی علمی مسلمانان**. ترجمه و تحقیق سید محمد رضی مصطفوی‌نیا و حسن حضرتی. تهران: سمت.

۱۳. رضایی، مرتضی. ۱۳۹۲. «بررسی سیرهٔ مدنی رسول خدا (ص) در پژوهش‌های تاریخی همیلتون گیب». **مطالعات تاریخ اسلام**. سال پنجم. شمارهٔ ۱۹.

۱۴. رنجبران، داود. ۱۳۹۵. **بررســی مطالعات سیرهٔ نبوی در ویراست دوم دائره‌المعارف اسلام با تأکید بر گفتمان یهودی**. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، دفتر نشر معارف.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

۱۵. ساعی، علی. ۱۳۸۷. **روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)**. چاپ ۲. تهران: سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۱۶. سجادی، سید صادق؛ عالم‌زاده، هادی. ۱۳۸۰. **تاریخ‌نگاری در اسلام**. چاپ چهارم. تهران: سمت.
۱۷. سلیمانی امیری، جواد. ۱۳۹۷. **فلسفهٔ تاریخ در قرآن**. چاپ اول. تهران: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدّس سرّه) و انتشارات سمت.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. ۱۴۰۴ ق. **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**. چاپ اول. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۹. شیخ مفید، محمد. ۱۴۱۳ ق. **الإرشاد في معرفة حجج‌الله على العباد**. تحقیق مؤسسهٔ آل‌البیت لاحیاء التراث. قم: المؤتمر العالمی لالفیهٔ الشیخ المفید.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین. ۱۴۰۳ ق. **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ پنجم. بیروت: مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبری، محمد بن جریر. ۱۳۸۷ ق. **تاریخ الأمم و الملوک**. تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم. ط الثانیهٔ. بیروت: دار التراث.
۲۲. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن. ۱۴۱۹ ق. **معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیهٔ**. چاپ اول. قاهره: دارالفضیله.
۲۳. عسقلانی، احمد. ۱۴۱۵ ق. **الإصابهٔ فی تمییز الصحابهٔ**. تحقیق عادل‌احمد و علی‌محمد معوض. ط الأولی. بیروت: دارالکتب العلمیهٔ.
۲۴. دَربَندی، آقا بن عابد. ۱۴۱۵ ق. **اکسیرالعبادات فی اسرارالشهادات**. تحقیق محمد جمعه بادی و عباس ملاعطیه. منامه: شرکه المصطفی.
۲۵. قراملکی، احد فرامرز. ۱۳۸۲. **اصول و فنون پژوهش**. چاپ اول. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۶. کافی، مجید. ۱۳۹۹. **فلسفهٔ تحلیلی تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)**. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. العاملی، جعفر مرتضی. ۱۴۱۵ ق. **الصحیح من سیرة النبی الأعظم**. چاپ چهارم. بیروت: دارالهادی.
۲۸. مسعود، جبران. ۱۳۸۷. **الرّائد**. ترجمهٔ رضا انزابی‌نژاد. چاپ دوم. مشهد: آستان قدس رضوی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]

۲۹. مظفر، محمدرضا. ۱۳۶۶. **المنطق**. قم: اسماعیلیان.
۳۰. مقریزی، تقی‌الدین أحمد. ۱۴۲۰ ق. **إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع**. تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی. ط الأولی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۱. نوذری، حسینعلی. ۱۳۷۹. «تاریخی‌گری یا مکتب اصالت تاریخ». **مجموعه مقالهٔ فلسفهٔ تاریخ؛ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری**. تهران: طرح نو.
۳۲. والش، ویلیام هنری . ۱۳۶۳. **مقدمه‌ای بر فلسفهٔ تاریخ**. ترجمهٔ ضیاءالدین علایی طباطبایی. تهران: امیرکبیر.
۳۳. الویری، محسن. ۱۳۹۶. «مفهوم اسلامی‌شدن دانش تاریخ: الگویی برآمده از تاریخ اسلام». **فصلنامهٔ تخصصی علوم انسانی اسلامی (صدرا)**. شمارهٔ ۲۱، صص ۲۳-۱۵.
۳۴. یعقوبی، احمد بن ابییعقوب. ۱۴۱۴ق. **تاریخ الیعقوبی**. الطبعه الاولی. قم: منشورات الشریف الرضی.
۳۵. یوسفی غروی، محمدهادی. ۱۴۱۷ ق. **موسوعه التاریخ الاسلامی**. چاپ اول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.3.8.3]